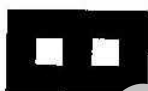


مرواریدی که صدفش
را شگست

نویسنده: نادیا هاشمی

ترجمه‌ی: مهسا خراسانی



هیرمند

شماره ۲۰۲

تیرماه

فهرست نویسی

سرشناسه: هاشمی، نادیا؛ Hashemi, Nadia: .. مشخصات نشر: تهران: هیرمند، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۶۳۰ ص؛ رقی ..
فروست: شهرزاد .. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۴۰۸-۹ .. وضعیت فهرست نویسی: فیبا .. یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در
نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است .. یادداشت: عنوان اصلی: The pearl that broke its shell. .. موضوع:
دوره های آمریکایی - قرن ۲۱م. شناسه افزوده: خراسانی، مهسا، ۱۳۵۲- مترجم: .. زده بندی کنگره: ۱۳۹۵ م ۵ الف/۳۶۲۵ PS
زده بند: دیویی: ۸۱۳/۶ .. شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۴۷۷۳

مراکز فروش

انتشارات هیرمند: میدان آمل، خیابان آمل، پلاک ۲۰۲
بین دوازده فروردین و فخررازی، پلاک ۲۰۲
تلفن: ۶۶۴۰۹۷۸۷ www.hirmandpublication.com

شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تجاری بوستان، مرکز
تلفن: ۴۲۲۹۸۳۲۵ www.bbookcity.com

عنوان و نام پدیدآور: مرواریدی که صدفش را شکست / نادیا هاشمی

مترجم: مهسا خراسانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۴۰۸-۹

طراحی و گرافیک: هیرمند پیپر

صفحه آرایی: کارگاه نشر هیرمند

چاپ و صحافی: اسطوره

همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۲۳.....	رحیمه
۳۹.....	شکیبا
۵۳.....	رحیمه
۶۳.....	شکیبا
۶۹.....	رحیمه
۷۵.....	شکیبا
۸۳.....	رحیمه
۹۵.....	شکیبا
۱۰۵.....	شکیبا
۱۱۵.....	رحیمه
۱۲۷.....	شکیبا
۱۳۷.....	رحیمه
۱۶۳.....	رحیمه
۱۶۹.....	شکیبا
۱۷۷.....	رحیمه
۱۸۷.....	شکیبا
۱۹۵.....	رحیمه
۲۰۳.....	رحیمه

۲۱۱.....	شکيبا
۲۱۷.....	رحيمه
۲۲۷.....	شکيبا
۲۳۷.....	رحيمه
۲۴۷.....	رحيمه
۲۵۵.....	رحيمه
۲۶۷.....	رحيمه
۲۷۵.....	رحيمه
۲۸۵.....	شکيبا
۲۹۱.....	شکيبا
۳۰۱.....	رحيمه
۳۱۱.....	رحيمه
۳۲۱.....	شکيبا
۳۳۱.....	شکيبا
۳۳۷.....	رحيمه
۳۴۷.....	رحيمه
۳۵۵.....	شکيبا
۳۶۳.....	رحيمه
۳۷۳.....	شکيبا
۳۸۱.....	رحيمه
۳۹۵.....	شکيبا
۴۰۳.....	شکيبا
۴۱۳.....	شکيبا
۴۱۷.....	رحيمه
۴۲۹.....	رحيمه
۴۴۳.....	رحيمه
۴۵۳.....	شکيبا
۴۶۵.....	شکيبا

۴۷۱.....	رحیمه
۴۸۱.....	شکیبا
۴۸۹.....	رحیمه
۴۹۹.....	رحیمه
۵۰۳.....	شکیبا
۵۱۱.....	رحیمه
۵۱۵.....	رحیمه
۵۲۷.....	شکیبا
۵۳۳.....	شکیبا
۵۳۹.....	رحیمه
۵۴۳.....	شکیبا
۵۵۱.....	شکیبا
۵۶۱.....	شکیبا
۵۶۹.....	رحیمه
۵۷۵.....	رحیمه
۵۸۳.....	رحیمه
۵۹۳.....	شکیبا
۶۰۳.....	شکیبا
۶۱۱.....	رحیمه
۶۱۷.....	رحیمه
۶۲۱.....	رحیمه
۶۲۷.....	رحیمه

مقاله نویسنده:

دانا، بی که باید می گفتم

مروارید، که دانش را شکست روایتی است که باید آن را بازگو می کردم. من زنی افغان - آمریکایی هستم و واکنش های متفاوتی را در طول زندگی ام نسبت به هویت من تجربه کردم. وقتی بزرگ می شدم، بارها با افرادی مواجه شدم که با بهت و حیرت از من سؤال می کردند آیا افغانستان در آفریقا است؟ پس از حوادث واقعه سپتامبر ۲۰۱۱ که منجر به درگیری ایالات متحده آمریکا در افغانستان شد، مردم اطلاعات زیادی در مورد این کشور به دست آوردند. در افغانستان حکومت سختگیر بنیادگرایان، به زنان ظلم و وحشت بسیاری روا داشته است. اما، ماجرا در این جا نیست.

پدر و مادر من در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در دهی بسیار متفاوت با الان - در افغانستان به دنیا آمدند و در آنجا بزرگ شدند. خاله هایم به دانشکده می رفتند و مادر من با دریافت کمک هزینه تحصیلی به اروپا سفر کرد تا مدرک دانشگاهی اش را در رشته مهندسی عمران کسب کند. من دیوارها و میزهای آرایش مان عکس های رنگ و رو رفته ای از خاله ها، عمه ها، عموها، دایی ها و مادر بزرگ و پدر بزرگ هایم به چشم می خوردم که در آن ها زنان دامن های مد روز و شلووارهای دم پاگشاد و مردان کت هایی یقه پهن

پوششیده‌اند. در کبابی‌ها آهنگ‌های محبوب مردم پخش می‌شد و شعر و شاعری بخشی مهمی از زندگی همه بود.

برایم دشوار بود که این تصاویر و خاطره‌ها را با آنچه در تلویزیون می‌دیدم و یا در روزنامه‌ها می‌خواندم تطبیق دهم. در سال‌های تاریک و خشن پس از مهاجرت والدینم، زنان افغان خیلی چیزها را از دست دادند. خیلی از افغان‌ها مشتاقانه سعی می‌کنند به همه بگویند چهره‌ی کنونی کشورشان، واقعیت محض نیست. خیلی از ما دوست داریم به پشت‌بام‌ها برویم و فریاد بریم که فرهنگ‌مان را به یغما برده‌اند و زنان‌مان را به طرز سبعانه‌ای از حقوق‌شان محروم کرده‌اند. دختران، زنان جوان و مادران آینده‌ی این سرزمین نابرابر برای آن‌که بخشی ارزشمند از جامعه به حساب بیایند با تمام وجود بجنگ

سنت‌های مردسالارانه افغانستان پسران را از دختران ارزشمندتر می‌داند. در مناطق دورافتاده، زنان هرگز از آزادی‌هایی که زنان کابلی از آن‌ها لذت می‌برند، بهره‌مند نمی‌شوند. دهه‌های متوالی جنگ و حکومت بنیادگرایانه زنان افغان را خرد، زخمی کرده و حقوق انسانی‌شان را زیر سنگ و سنگسار، مدفون کرده است. نخست، در افغانستان مسأله‌ای مهم است. زندگی دختران و پسران تفاوت‌های بسیار دارد، و من در نظر دارم همین واقعیت را بازگو کنم.

افغانستان درگیر مشکلات متعددی است، از انواع کودکان، جنگ‌سالاران، اغتشاشات سیاسی، اعتیاد، فساد و غیره. از آن‌ها که این معضلات بخشی از واقعیت افغانستان است، در تار و پود داستانم از آن‌ها استفاده کرده‌ام. هر آنچه را به دستم رسید در مورد زنان همدوره‌ی شکیبا و رحیمه مطالعه کردم و با دوستان، اقوام و زنانی که در مجلس افغانستان کار می‌کردند، گفت‌وگو کردم و در مورد ناامیدی، دلشکستگی و پیروزی بسیار آموختم. در نهایت، این کتاب را نوشتم تا تجربه‌ی زنان افغان

را که از هزاران حقیقت تشکیل شده در قالب داستان با دیگران به اشتراک بگذارم.

رحیمه که مدتی بچه پوش بود و در حال حاضر هنوز نوجوان است، به عقد یک جنگ سالار محلی در می آید. او ثمره‌ی مادر بزرگِ مادر بزرگِ مادر بزرگش، شکبیا است و از این رابطه قدرت می گیرد. هر دو در سرسختی و تلاش برای بقا - به رغم همه‌ی سختی‌ها - به هم شبیه‌اند و این همان سرسختی است که از نظر من در حال تغییر چهره‌ی افغانستان و نویدبخش امید برای آینده است.

نادیا هاشمی

www.ketab.ir

مقدمه

داستان «صلای» که مراریدش را شکافت داستان زندگی دو نسل از زنان افغان است که به واسطه صد سال از یکدیگر زندگی می کردند. نادیا هاشمی، بی افغان - آمریکایی است که از مادر و پدری افغان در آمریکا متولد شده است. او به پزشک است، به واسطه زندگی کردن در یک جامعه افغان متشکل از اقوام و وستانش که همگی در آمریکا زندگی می کنند، از این موقعیت بهره مند شده به از نزدیک با آداب و سنن و زبان و فرهنگ افغان ها آشنا شود.

وی در کتاب هایش به شرایط افغانستان معاصر به طور عام و به مشکلات زنان افغان به طور خاص می پردازد. افغانستان در طی نیم قرن اخیر با ظهور طالبان، بروز جنگ های داخلی، حمله روسیه و دخالت های نظامی آمریکا دست خوش بحران های بسیار شده است که کماکان هم ادامه دارد. مردم افغان مدت ها است دیگر زندگی طبیعی و آرامی ندارند. در این میان دختران و زنان افغان بیشتر تحت تأثیر مشکلات ناشی از حوادث ذکر شده قرار گرفته اند. دختران افغان از تحصیل و حداقل آزادی های یک شهروند معمولی محروم شدند و به زندگی محدود در چهار دیواری خانه با شرایط نامساعد محکوم گشتند. بسیاری از افغان ها

تلاش کردند با فرار از افغانستان آشوب زده و پناه بردن به کشورهای دیگر، جان خود را نجات دهند و به امید دستیابی به یک زندگی آرام خطر را به جان بخرند.

آنان که ماندند و یا مجبور شدند بمانند، ناگزیر بودند تا خود را با شرایط نامساعد کشورشان وفق دهند.

هاشمی در این کتاب به زندگی دو زن در دو دوره مختلف می پردازد که سرگذشتشان کمابیش به یکدیگر شبیه است. او سعی می کند با توصیف شرایط کلی کشور و شرح مشکلات، آداب و سنن، باورها و اعتقادات افغانها تصویر واضحی از سرنوشت زنان هموطنش ارائه دهد.

نویسنده در مقدمه ای که در مورد این کتاب نگاشته می گوید: «افغانستان با مشکلات متعددی روبرو است، ازدواج کودکان، جنگ سالاران، اغتشاشات سیاسی، اعتیاد، فساد و غیره.» وی سعی می کند این مشکلات را به اضافه مشکلات زنان در تاریخ به داستانش بگنجاند و به این ترتیب چشم جهانیان را به روی واقعیت های تلخی در کشورش وجود دارد باز کند.

هاشمی مثل بسیاری از دیگر نویسندگان افغان سعی دارد تا از طریق داستان نویسی جهانیان را با مصایب مشکلات افغانستان آشنا کند. شاید این تنها کاری است که از دست نویسندگان این رز و بوم برای کشورشان بر می آید. جلب توجه جهانیان به اوضاع نابسامان مردم افغان.

در این داستان و سایر کتاب های این نویسنده، شباهت بسیاری بین آداب و رسوم و زبان و فرهنگ مردم افغان با ایرانیان می بینیم. مشخصات های کتاب های هاشمی به فارسی دری صحبت می کنند، مسلمان و شیعه هستند و آداب و رسوم بسیار شبیه به ایرانیان دارند. حتی اسامی افراد نیز غالباً با اسامی مورد استفاده در ایران شباهت دارد. بسیاری از اسم های فارسی و اسم های عربی متداول در ایران در افغانستان نیز استفاده می شود. شاید همین تشابهات است که باعث می شود داستان های این نویسنده و بسیاری دیگر از

نویسندگان افغان به چشم ما ایرانی های تا این حد آشنا و ملموس برسد و شباهت های فرهنگی بسیار بین آن ها و ما باعث شود که حس کنیم داستانی از مردم سرزمین خودمان را مطالعه می کنیم.

داستان حاضر گرچه از تخیلات یک نویسنده با ذوق و علاقمند به سرزمینش نشأت گرفته، اما بر بستری از وقایع و حقایق و تاریخ معاصر بنا نهاده شده است. به همین دلیل است که خواندن آن لذت همیشگی مطالعه سرگذشت انسان ها را همراه با آشنایی با وقایع و تاریخ کشور همسایه به ما اعطاء می کند.

مهسا خراسانی / دی ماه ۱۳۹۵